

استادانه

محتوای خوب از ما، نمره خوب برای شما

خلاصه کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

دوست عزیزم، خریدار محترم و خواننده گرامی

از اینکه این فایل رو خریداری کردی و داری ازش استفاده میکنی متشکرم، اما اگه بدون اینکه فایل رو خریداری کنی داری ازش استفاده میکنی اینو بدون که استادانه برای این فایل خیلی زحمت کشیده و اونو به صورت اختصاصی تولید کرده نه مثل خیلی از سایتها از دیگران کپی کنه برای همین اصلا راضی نیست ازش استفاده کنی!

اگه دوست داری ازش استفاده کنی همین الان به سایت استادانه به آدرس زیر برو و مبلغش رو پرداخت کن و با خیال راحت ازش استفاده کن، کافیه اسم فایل رو داخل سایت سرچ کنی و اونو بخری

www.OSTADANEH.com



توجه توجه

فهرست مطالب

- درس اول: شناخت مفاهیم..... ۲
- درس دوم: تئوری های انقلاب..... ۵
- درس سوم: بررسی عوامل پیدایش انقلاب از منظر دینی..... ۹
- درس چهارم: ماهیت و ویژگی های انقلاب اسلامی..... ۱۳
- درس پنجم: ارکان انقلاب اسلامی ۱ (رهبری)..... ۱۵
- درس ششم: ارکان انقلاب اسلامی ۲ (مکتب و مردم)..... ۱۷
- درس هفتم: دستاورد های انقلاب اسلامی..... ۱۸
- درس هشتم: آسیب شناسی انقلاب اسلامی..... ۲۲
- درس نهم: راهکارهای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی..... ۲۹
- درس دهم: دوران نهضت مشروطه..... ۳۳
- درس یازدهم: دوران دیکتاتوری رضاخانی..... ۳۶
- درس دوازدهم: دوران سیاه محمدرضا شاهی..... ۳۸
- درس سیزدهم: دوران سیاه محمدرضا شاهی..... ۴۳
- درس چهاردهم: جریان شناسی گروه های منحرف فکری انقلاب اسلامی..... ۴۵

درس اول: شناخت مفاهیم

مطالعه انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از تحولات سرنوشت ساز تاریخ برای هرکس که در عرصه سیاست و تاریخ گام نهاد اهمیت فراوانی دارد.

شناخت انقلاب اسلامی مستلزم شناخت پدیده انقلاب است.

انقلاب:

در زبان فارسی و عربی از اصطلاحات نجومی و به معنای حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان، دور و گردش است.

در قرآن کریم این کلمه در دو معنای رجوع و بازگشت و تحول و دگرگون شدن استعمال شده است.

انقلاب در پهنه علوم انسانی و اجتماعی به دو معنا استعمال می‌شود:

۱- تحول سریع، شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی دهد و در نتیجه یک نظام جای خود را به نظام دیگری دهد.

۲- تحول شدید و ریشه ای و غیر سیاسی که به کندی و بدون خشونت صورت می‌گیرد مانند انقلاب علمی و ادبی.

وجه اشتراک دو معنی: تحول شدید و اساسی و کلی.

انقلاب در مقایسه با دیگر حرکت های اجتماعی:

الف) اعتصاب:

هر نوع تعطیلی که به عنوان اعتراض به تجاوز به یکی از حقوق اجتماعی به عمل آید.

در معنای خاص کلمه یعنی معلق ساختن هماهنگی کار از طرف کارگران و دستمزد بگیران.

اعتصاب چه به صورت عمومی و چه به صورت صنفی و ... کم یا بیش با امور و شئون سیاسی ارتباط می‌یابد؛ بنابراین اعتصابی وجود ندارد که کم و بیش جنبه سیاسی نداشته باشد.

ب) کودتا یا انقلاب کاخی:

در معنای عام خود یعنی شورش گروهی از دستگاه حاکمه بر ضد گروه دیگر و تلاششان برای برکنار کردن آنان از صحنه قدرت.

اگر کودتا به ابتکار گروهی از مقامات دولتی یا صرفاً توسط آنان صورت گیرد، کودتا به معنای واقعی نام می‌گیرد و اگر به ابتکار گروهی از مقامات ارتشی و نظامی یا صرفاً به وسیله آنها انجام پذیرد، کودتای نظامی نامیده

می‌شود. کودتا نتیجه نزاع بر سر قدرت است و به انگیزه از میان برداشتن حریفان و زیباست و به طور طبیعی نمی‌تواند به خیر و صلاح عموم افراد جامعه منجر شود.

تفاوت انقلاب و کودتا:

کودتا از بالا و به دست افرادی از نظام حاکم انجام می‌گیرد در حالی که انقلاب طغیان عموم مردم و قشرهای پایین بر صد نظام حاکم است.

کودتای خزنده: پیچیده ترین صورت کودتا است که عمدتاً مبتنی بر سیاست نفوذ در نهادهای قدرت از جمله سه قوه مجریه و مقننه و قضاییه و تشدید فضای اختلاف جناح حکومتی، پیش بردن پروژه‌های فعال و پر فشار جنگ روانی و تبلیغی و ترور شخصیت و حتی ترور فیزیکی علیه آنهایی که ممکن است توان مقاومت در برابر کودتا را داشته باشند و نیز استفاده از تاکتیک‌های پیچیده نفوذ از درون با بهره‌گیری از جو بی‌تفاوتی مردمی، غفلت حاکمان و نارسایی‌های اقتصادی است.

ج) شورش:

رفتار خشونت آمیزی که توسط توده‌ای از مردم یک منطقه علیه حکومتی خاص برای رهایی از سلطه سیاسی آن حکومت شکل می‌گیرد.

مقایسه شورش و انقلاب:

- ۱- وسعت و عمق یک انقلاب به مراتب بیشتر از شورش است.
- ۲- حرکات اعتراضی در شورش‌ها از سرعت بیشتری برخوردارند و از این‌رو دامنه آشوب در مدت کوتاه‌تری جامعه را در برمی‌گیرد.
- ۳- در شورش رفتارهای بسیار خشونت آمیز و جنگ مسلحانه از عناصر اصلی به شمار می‌روند ولی در انقلاب‌ها انقلابیون با نوعی برنامه سیاسی و تا حدودی از طریق تاکتیک‌های نظامی حساب شده و در قالب احزاب سیاسی عمل می‌کنند.

د) اصلاح:

در مقابل کلمه افساد به کار برده می‌شود و به معنای سامان بخشیدن و به صلاح آوردن می‌باشد.

ه) نهضت یا جنبش:

حرکت یا رفتار گروهی به نسبت منظم و بادوام برای رسیدن به هدف اجتماعی و سیاسی معین و بر اساس نقشه معین که ممکن است انقلابی و یا اصلاحی باشد.

تفاوت انقلاب و جنبش:

- ۱_ در انقلاب خشونت از شروط اصلی و ضروری به شمار می‌رود و هرگونه تغییر و تحول در جامعه را نمی‌توان انقلاب محسوب کرد ولی خشونت شرط لازم برای تحقق یا جنبش به شمار نمی‌رود.
- ۲_ تغییر و دگرگونی در ساخت سیاسی یک جامعه از عناصر مهم انقلاب به شمار می‌رود و بر این اساس تعویض حاکمان سیاسی و به هم ریختن شیرازه وجودی یک حکومت از اهداف هر انقلابی است ولی در نهضت و جنبش، ممکن است تنها به اصلاح بخشی از یک ساعت سیاسی اکتفا شود.
- ۳_ گستردگی یک انقلاب و دربرگرفتن اقشار و اصناف مختلف کشور به مراتب بیشتر از یک نهضت می‌باشد.

درس دوم: تئوری های انقلاب

انقلاب حرکتی بنیادین از سوی عموم مردم برای یک نظام سیاسی، حقوقی یا اقتصادی به نظام دیگر است.

تعریف تئوری های انقلاب:

تئوری یا نظریه همواره در صدد است تا قوانین تکامل یا تحول در طبیعت یا جامعه را توجیه نماید و برای آن توضیح علمی بیابد.

نظریه های انقلاب متکفل بیان علل موجهه، فرآیند و روند انقلاب است. نظریه ای می‌تواند جامع تر و به حقیقت نزدیکتر باشد که کلیه این محورها را مورد توجه قرار داده باشد.

تئوری های انقلاب به تبیین و تشریح علمی جایگاه این حرکت اجتماعی می‌پردازند و منشا تحولات در جامعه را منعکس می‌سازند.

تئوری های ارائه شده در زمینه انقلاب:

الف) نظریه نخبه گرایانه حکمای یونان باستان:

پیشینه ارائه نظریه انقلاب را باید به زمان یونان باستان بگرداند. از نظر افلاطون، حکومت مطلوب حکومتی است که حکیمان عهده دار رهبری آن باشند. برای آنکه بتوان جامعه ای را به خوبی اداره کرد، باید کسانی که مدیر جامعه می‌شوند، افراد برتری باشند که جامع علوم مختلف و از لحاظ تربیتی و اخلاقی ممتاز باشند. حکما باید علاوه بر حکمت نظری، دارای حکمت عملی نیز باشند. افلاطون در نظریه خود اهمیت زیادی را برای تعلیم و تربیت جسمی و روحی در تحکیم و تثبیت یک نظام سیاسی قائل می‌شود و کم توجهی به این مسئله را سبب بروز آشوب و ناامنی در مدینه فاضله دانسته است.

روی آوردن به ثروت و توجه بیش از حد به آن زمینه دموکراسی را فراهم می‌آورد و ساخت این نوع حکومت نیز که آزادی در آن به حد افراط کشیده شده جای خود را به حکومت استبدادی خواهد داد. مدینه فاضله افلاطون یک تئوری بود که در کتاب های او باقی ماند و هیچ گاه در طول تاریخ حکومت به دست برترین حکیمان نیفتاد مگر در دورانی که حکومت در دست اولیا و انبیای الهی قرار گرفت.

پس از افلاطون به نظریه ارسطو توجه می‌شود. او در رساله سیاست خود، نظریه خود را مطرح ساخته است. او اهداف انقلاب را در تغییر تمام یا جزیی از وضع موجود و نیز رفع نابرابری خلاصه می‌کند و در تعبیر خود از واژه انقلاب برداشت صریح و واحدی ارائه نداده است.

در آثار حکمای یونان، واژه انقلاب با مفهوم اصطلاحی کنونی آن کاملاً به یک معنا نیست.

ب- نظریه کارل مارکس:

مارکس مباحث پیرامون انقلاب را در چندین حوزه پی گرفته است: فلسفه، اقتصاد، سیاست و جامعه‌شناسی. لیکن قوی‌ترین و مهم‌ترین مباحث خود را در مطالعات مربوط به جامعه ارائه داده است. وی روابط تولید را محور بحث خود قرار داده و معتقد است که شیوه تولید مبتنی بر روابط تولید و روابط تولید نیز تحت تأثیر طبقات جامعه می‌باشد.

از نظر وی در جامعه سرمایه‌داری، سرمایه‌دار به دلیل عدم پرداخت مزد واقعی کارگر باعث به وجود آمدن ارزش اضافی می‌شود و این امر زمینه انباشت سرمایه را فراهم می‌سازد. از نظر مارکس بایستی انقلاب در جوامعی رخ دهد که بیشتر صنعتی شده‌اند.

به عقیده مارکسیست‌ها، مارکسیسم علم انقلاب است و در عالم هیچ نوع جهان بینی دیگری را نمی‌توان یافت که به انسان علم انقلاب کردن و طریقه ایجاد تحول در جامعه را بیاموزد. همچنین جایگاه خاصی را برای منطق دیالکتیک قائل‌اند. به نظر آنان هر پدیده‌ای در جهان اعم از پدیده‌های طبیعی، اجتماعی و فرهنگی و فکری، محکوم به این قاعده دیالکتیکی هستند.

در ارزیابی این نظریه می‌توان گفت که این تئوری در عمل با مشکل مواجه شد و همچنین مارکس نظریه خود را بر مبنای دیدگاه تضاد و مادی‌گرایی دیالکتیک بنا نهاد که بر آن اشکالات فراوانی وارد است.

تفاوت اسلام و اندیشه کمونیستی:

در اثر ایمان و عمل صالح است که یک جامعه، جانشین جامعه دیگر می‌شود به خصوص جامعه اسلامی که در این آیه مخاطب قرار گرفته است. هدف از جایگزینی رسیدن به امور مادی و اقتصادی نیست بلکه جانشین شدن مومنان در روی زمین و برداشته شدن خوف و ناامنی از بندگان، وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نهایی می‌باشد که همان پرستش خداوند در روی زمین است.

تفاوت دیگر اینکه در زمینه بقای انقلاب از آنجا که ماتریالیست‌ها جریان تاریخ را خبری می‌دانند، وقوع انقلاب را قانون طبیعت می‌شمارند و واهمه نابودی نظام موجود را ندارند. ولی از منظر اسلام همواره باید از دست رفتن نظام ترسید زیرا هیچگاه نباید دشمن خارجی را منفعل و مرده تلقی کرد.

ج) نظریه کارکرد گرایان:

ریشه‌های فکری این نظریه به دورکهایم بازمی‌گردد و در نقطه مقابل نظریات مارکسیستی قرار دارد چراکه مارکس بر تضاد اساسی جامعه تاکید داشت حال آنکه کارکرد گرایان تعادل و رضایت را چهره اساسی جوامع می‌پندارند. بر اساس عقیده دورکهایم در جوامع ابتدایی روابط میان افراد بر اساس هم بستگی مکانیکی است ولی تقسیم کار اجتماعی منجر به ایجاد تمایزی خواهد شد که افراد را به سمت هم بستگی ارگانیکی سوق

خواهد داد. اگر تقسیم کار تشدید گردد، گسست اجتماعی شدت خواهد گرفت و همین امر موجب کجروی اجتماعی خواهد شد.

بر اساس عقیده‌ی او جامعه دارای نظم اخلاقی است که از درون خود می‌جوشد و همین امر جامعه را به سمت یکپارچگی و هم بستگی سوق می‌دهد. برخلاف مارکس که انقلاب را امری اجتناب ناپذیر می‌پنداشت، کارکرد گرایان انقلاب را امری استثنایی به شمار می‌آوردند که در خلاف روند عادی جامعه به وقوع می‌پیوندد.

از دیگر کارکرد گرایان: پارسونز

از منظر او چهار مقوله می‌تواند سبب هم بستگی در اجتماع شود:

ارزش‌ها: اصول، معیارها و صفاتی که ارزشمند و مطلوب به شمار می‌آیند.

هنجارها: قواعدی هستند که وسیله نیل به ارزشها به شمار می‌روند.

نقش‌ها: نقش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... برای ایجاد همبستگی ضروری می‌باشند.

جمع‌ها: مجموعه نهادینه شده ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌ها به شمار می‌روند.

د) نظریه جامعه توده وار و کثرت گرا:

توده مردم از مباحث سیاسی بی‌اطلاع اند و به همین رو زمینه پیوستن آنان به گروه‌های مختلف آشوبگر وجود دارد. در این نظریه یا از موقعیت نخبگان حکومتی کاسته می‌شود و آنان آلت دست مردم میگردند و یا توده مردم از هویت خود تهی شده و آلت دست نخبگان میگردند.

از مفاهیم مهم این نظریه، بسیج اجتماعی است. کورن هازر در تحلیل خود از انقلاب چهار نوع جامعه را برمی‌شمارد:

جامعه همبسته، سنتی، تکثرگرا، توده ای و توتالیر.

در اولین نوع جوامع بسیج توده ای رخ نخواهد داد و می‌توان توده‌ها را به کنترل خود درآورد ولی در دو نوع جامعه دیگر امکان بسیج توده ای وجود دارد.

ه) نظریه روان شناسانه انقلاب:

بیشتر تمرکز خود را بر روی نخبگان قرار می‌دهد. مطالعات در این زمینه:

۱- مطالعاتی که شخصیت رهبر یا نخبه جامعه را زیر ذره بین خود قرار می‌دهد. در این نوع مطالعات بیشتر به سابقه افراد اشاره می‌شود.

۲_ مطالعاتی که سرکوب گرایز را محور قرار می دهد.

از منظر سورکین انقلاب زمانی به وقوع خواهد پیوست که ارزش های جامعه از یکنواختی به در آیند.

۳_ مطالعاتی که بر افزایش نظارت و توقعات فزاینده متمرکز اند. جیمز دیویس که نظریه پرداز اصلی این دیدگاه است، از دو نظریه فقر فزاینده مارکس و رفاه نسبی دوتوکویل به نظریه جدیدی دست یافته است. بر اساس این نظریه هرچه انتظارات و توقعات افراد افزایش یابد و از نیازهای واقعی فاصله بگیرد، توان رژیم بر پاسخگویی به خواسته های مردم کاهش می یابد.

۴_ مطالعاتی که بر محرومیت نسبی تاکید می ورزند.

بر اساس نظریه تدگار، خشونت های مدنی عبارتند از: آشوب، توطئه و جنگ داخلی و انقلاب از قسم اخیر شمرده می شود.